آموزش و پرورش تطبیقی چیست؛

این توجه تقریبا فراگیر و جهانی است و نسبت به دیگر فعالیت های اجتماعی از اولویت خاص برخوردار است. بررسی تاریخ تحول نظام های آموزشی جهان نشان می دهد که به منظور تحقق این امر ، اغلب کشورهای پیشرو از مطالعات و پژوهش های تطبیقی در زمینه آموزش و پرورش بهره گرفته اند و آن را شرط لازم برای طراحی نظام های آموزش نوین خویش می دانند و بر لزوم و ضرورت این گونه بررسی ها قبل از اقدام به هرگونه اصلاحات آموزشی جامع برای رفع نیازمندی های رو به رشد اقتصادی ، فرهنگی و فنی خویش تاکید می ورزند.

امروزه متفکران تعلیم و تربیت و متخصصان مراکز تعلیم و تربیت بین المللی بر ضرورت ایجاد این رشته نوین علمی در موسسات آموزش عالی و دانشگاه ها در سطوح کارشناسی ارشد و دکترا تاکید می ورزند که نشان دهنده اهمیت کار و نقش محققان این رشته علمی در معرفی نظام های آموزشی موفق جهان ، شناخت مسائل آموزش و پرورش ، معرفی نوآوری ها و روشهای جدید در قلمرو آموزش و پرورش و دستاوردهای شگرف ناشی از آن است. گنجاندن درس آموزش و پرورش تطبیقی در برنامه درسی دانشجویان رشته های علوم تربیتی ، مدیریت و برنامه ریزی آموزشی و علوم اجتماعی در کشور ما حدود 30 سال سابقه دارد ، لیکن تاکنون به دلایل گوناگون از جمله ضعف آگاهی و اطلاع دقیق از هدف ها و کاربرد واقعی بررسی های تطبیقی آموزش و پرورش یا دسترسی نداشتن به مطالعات نوین تطبیقی که پژوهندگان معاصر به عمل آورده اند ، این رشته علمی جایگاه بحق خود را به عنوان ابزار لازم برای توسعه و اصلاحات بنیادین آموزشی به دست نیاورده است.

در حال حاضر ، کشور ما یکی از مراحل مهم و اساسی و در عین حال حساس و دقیق خود را در زمینه توسعه آموزش و پرورش می گذراند. بدیهی است به موازات توسعه نهاد آموزش و پرورش باید به مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش پرداخت ؛ زیرا این گونه مطالعات زمینه را برای انتقال و رفع مشکلات نظام آموزش و پرورش فراهم می کند و اداره کنندگان چنین دستگاهی را در کشف و تحلیل مسائل تربیتی یاری می دهد. به سخن دیگر ، آگاهی از تغییرات و اصلاحاتی که در نظام های تربیتی کشورهای

دیگر رخ داده است و مشکلاتی که آنان در اصلاح و توسعه آموزش و پرورش خویش داشته اند و آشنایی با روشها و تدابیری که برای حل این مشکلات به کار برده اند ، می تواند ما را در شناسایی مسائل آموزشی و اتخاذ تدابیر شایسته برای حل و فصل رضایت بخش آنها ، بخصوص زمانی که در اندیشه بنیاد نهادن نظام نوین آموزشی هستیم ، یاری دهد.

همچنین این امر می تواند این امکان را فراهم کند که به اصلاحات آموزشی نگاهی عمیق داشته باشیم و در مقام قانونگذار ، برنامه ریز و مجری طرحهای آموزشی و اداره کنندگان کانون های تعلیم و تربیت ، با گامهای استوار و سنجیده حرکت خویش را در تامین خیر و صلاح عمومی آغاز کنیم و همان تجارب را که دیگران با صرف زمان و سرمایه گذاری وسیع به دست آورده اند ، به سبب عدم اطلاع ، دوباره تکرار نکنیم. بی دلیل نیست که در جوامع پیشرفته و مترقی جهان ، هر روز بر وسعت مطالعات و پژوهش های تطبیقی در آموزش و پرورش و شمار کانون های علمی که این نوع بررسی ها را سرلوحه کارهای خویش قرار داده اند ، اضافه می شود و سیر تکاملی در این زمینه ، همچنان ادامه دارد و مشمول این گونه بررسی ها از نظر جغرافیایی و منطقه ای نسبت به گذشته نه چندان دور ، فراگیر شده است.

تعریف آموزش و پرورش تطبیقی

تطبیق و مقایسه ، به علمی اطلاق می شود که در آن ، دو یا چند پدیده را به منظور یافتن وجوه اختلاف و تشابه آنها، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. اصولا در زندگی روزمره بدون کار تطبیق و مقایسه نمی توان تصمیمی اتخاذ کرد و روشی برای حل و فصل رضایت بخش کارها انتخاب کرد.

مثلا زمانی که کالای خاصی را از میان انواع مشابه آن برای خرید برمی گزینیم یا از همان چند رشته تحصیلی یک رشته تحصیلی را انتخاب می کنیم و یا از بین شیوه های اداره امور موسسات آموزشی ، کار ماموریت یک موسسه را بر دیگر موسسات آموزشی ترجیح می دهیم ، در تمامی این موارد ، به نوعی مقایسه و تطبیق دست زده ایم که به اعتقاد خود ، به گزینش اصلح منتهی شده است .

در حیطه آموزش و پرورش ، این مقایسه یا تطبیق می تواند بین رویدادهای آموزشی داخل یک نظام آموزش و پرورش صورت گیرد یا در سطح وسیع تری ویژگی های گوناگون یک نظام تربیتی با نظامهای تربیتی کشورهای دیگر مقایسه شود. بدین سان آموزش و پرورش تطبیقی ترجمه اصطلاح Comparative education است و به دانشی اطلاق می شود که موضوع آن شناسایی ، تحکیم و مقایسه شباهت ها و تفاوت های پدیده های تربیتی داخل یک نظام آموزشی یا بین نظام آموزش و پرورش کشورهای مختلف جهان با توجه به عوامل اجتماعی ، مذهبی ، اقتصادی ، سیاسی موثر در تشکیل و پیدایش آنهاست.

ضروریات آموزش و پرورش تطبیقی

آموزش و پرورش تطبیقی ، یکی از رشته های علوم تربیتی است که موضوع آن ، تجزیه و تحلیل و شناخت شباهت ها و تفاوت های موجود بین پدیده ها ، نهادها و نظامهای آموزشی است. این شناخت و تفسیر آن باید در متن اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی و اقتصادی و رویدادهای تربیتی انجام گیرد. این تعریف ، چند نکته مهم را در خصوص ضرورت و اهمیت مطالعات و پژوهش های تطبیقی در آموزش و پرورش طرح می کند: آموزش و پرورش تطبیقی ، علمی است چند رشته ای.

محقق آموزش و پرورش تطبیقی با این که لازم است در یک زمینه خاص مرتبط با موقعیت های تربیتی ، اطلاعات تخصصی داشته باشد ، اما باید از زمینه های دیگر نیز مطلع باشد. در واقع این به ماهیت رویدادها و موقعیت های آموزشی مربوط می شود که به دلیل پیچیدگی شان باید از ابعاد متفاوت ولی مکمل به آنها نگاه شود .

آموزش و پرورش تطبیقی به شناخت منجر می شود. این شناخت جز آن که سبب توسعه دانش آموزش و پرورش تطبیقی می شود ، چگونگی و چرایی موقعیت های تربیتی را به مسوولان و مربیان نظامهای آموزشی می شناساند .

از بعد روش شناسی ، نگرش مقایسه ای باعث می شود پژوهشگران نظامهای آموزشی از شباهت ها و تفاوت های موجود بین پدیده های آموزشی آگاه شوند و از هر گونه نگرش افراطی در پذیرش یا رد الگوهای موفق نظامهای آموزشی دیگر دوری جویند.

آموزش و پرورش تطبیقی می تواند برپایی نظامهای آموزشی را برای مدیران و عاملان آنها روشن سازد. نمی توان نظام آموزشی را بدون شناخت و پذیرش پویایی و پیچیدگی پدیده های آموزشی از «بیرون» اداره کرد. یکی از یافته های مهم پژوهش های تطبیقی در آموزش و پرورش ، این است که نظامهای آموزشی در ارتباط دائم و لازم با دیگر نظامهای مربوط (فرهنگ ، اقتصاد و سیاست...) عمل کند ؛ از این رو ، نمی توان دور مدرسه حصاری کشید تا دانش آموزان را جدا از متن جامعه تربیت کرد .